

سلامت

جزئیات سنجش اختلالات روان ناشی از جنگ

ایران، مدیرکل دفتر مشاوره و امور روان‌شناختی سازمان بهزیستی کشور با اعلام جزئیات نحوه ورود مردم به سنجش اختلالات روان ناشی از جنگ در طرح ملی سنجش سلامت روان اعلام کرد: «مردم می‌توانند برای شرکت در این غربالگری به نشانی اینترنتی https://behzisti.porsline.ir/s/PSY-Screen مراجعه کنند».
ابراهیم غفاری افزود: «با ورود به صفحه https://behzisti.porsline.ir/s/PSY-Screen، یک صفحه پرسش‌نامه ۹ سوآلی می‌آید که باید به آن پاسخ دهند. پس از پاسخ‌دهی بلافاصله وضعیت سلامت روان فرد ارزیابی شده و در یکی از دسته‌های کم‌خطر، متوسط و پرخطر قرار می‌گیرد.» او ادامه داد: «اگر نتیجه ارزیابی کم‌خطر و در حد انتظار باشد، فرد نیازی نیست که به مرحله بعد برود اما اگر نتیجه متوسط و پرخطر باشد برای ارزیابی استرس پس از سانحه یا PTSD وارد مرحله بعد خواهد شد. در محله بعد برای ارزیابی «استرس پس از سانحه یا PTSD» باید ۲۰ سؤال پاسخ داده شود که همان‌جا ارزیابی و اعلام می‌شود که فرد در وضعیت سلامت روان مرزی در حد انتظار قرار دارد یا در حد پرخطر است».
مدیرکل دفتر مشاوره و امور روان‌شناختی سازمان بهزیستی کشور ادامه داد: «افرادی که کم‌خطر یا متوسط ارزیابی می‌شوند، می‌توانند از بسته‌های آموزشی که در اختیار آنها قرار می‌گیرد استفاده کنند یا از خدمات مشاوره رایگان و تلفنی صدای مشاور بهزیستی با شماره تلفن ۱۴۸۰ استفاده کنند. همچنین در صورت تمایل به شرکت در دوره‌های آموزشی آنلاین، می‌توانند شماره تلفن بگذارند.»
غفاری افزود: «اگر فردی در ارزیابی‌ها، پرخطر اعلام شد در صورت تمایل می‌تواند خدمات مشاوره حضوری را از مراکز منتخب خدمت بهزیستی دریافت کند و برای این کار باید شماره تلفن همراه خود را ارائه دهد و اگر تمایل ندارد می‌تواند خودش به‌طور مستقل به مراکز دیگر مراجعه کند. البته ارزیابی پرخطر به منزله صددرصد نیست، بلکه هنگامی که به مراکز منتخب مراجعه می‌کند، ارزیابی دقیق‌تر و بهتری انجام می‌شود.» او افزود: «جلساتی با دستگاہ‌هایی مانند آموزش و پرورش، سازمان نظام روان‌شناسی و کمیته امداد که مراکز مشاوره دارند، برگزار شده و افراد پرخطر به مراکز منتخب بهزیستی و این دستگاہ‌ها معرفی می‌شوند و تمام تلاش این است که خدمات رایگان ارائه شود.»
مدیرکل دفتر مشاوره و امور روان‌شناختی سازمان بهزیستی کشور اظهار امیدواری کرد میلیون‌ها نفر در سنجش ملی سلامت روان شرکت کنند؛ چراکه این غربالگری رایگان بوده و چند دقیقه‌ای بیشتر زمان نمی‌برد: «هدف از اجرای طرح ملی سنجش سلامت روان، ارزیابی اختلالات دوران جنگ و اختلالات پس از سانحه است و شامل اتفاقی که در هرزمان کند بندر شهید رجایی افتاد نیز می‌شود. این طرح افراد تحت تأثیر بحران را غربال کند. شرایط نه صلح نه جنگ نیز برای افراد تأثیر دارد. این اقدام منافاتی با این مسئله ندارد و اگر جنگ شد، بعدها دوباره قابلیت تکرار دارد.» او با اشاره به اینکه طرح ملی سنجش سلامت روان از یکم تا ۳۱ خردادماه جاری ادامه دارد، گفت: «تاکنون کمترین قشر شرکت‌کننده در این طرح، سالمندان و بیشترین قشر شرکت‌کننده نیز جوانان و تحصیل‌کردگان بودند. برای جلب مشارکت سالمندان در حال مکاتبه با تأمین اجتماعی و خدمات کشوری بازتستگای هستیم تا لینک شرکت در طرح را برای جامعه هدفی خود بفرستند.»

یادداشت

نقش مردم در ایجاد، نگهداشت و پیشرفت نظام اجتماعی

در دیگر کشورها نیز انقلاب‌هایی مانند فرانسه و روسیه، هرچند با تفاوت‌هایی در جزئیات، در کوششی برای تنظیم امور اجتماعی مطابق خواست مردم بوده‌اند؛ اما این حرکت‌ها در برخی مواقع، پس از زیورزی، از ریشه‌های مردمی خود فاصله گرفته‌اند. در ایران نیز نهضت مشروطه در نهایت به سلطنت پهلوی و مجلسی با کارکردی صوری انجامید و آن ارزش‌های نخستین را از دست داد. برای مردم‌سالاری، «بُعد» و «اندازه» قابل تعریف است. بُعد آن به گستره حضور مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی مربوط می‌شود. اندازه آن اما به کیفیت و عمق این حضور ربط دارد؛ یعنی اینکه مردم‌سالاری تا چه حد واقعی و مؤثر باشد. سنجش هر دو جنبه از طریق شاخص‌هایی امکان‌پذیر است. در اقتصاد، برای نمونه، نسبت تولید و ارزش افزوده بخش خصوصی به بخش عمومی می‌تواند نشانه‌ای از دامنه سپردن امور به مردم باشد. اما محتوای مردم‌سالاری اقتصادی فقط با حضور بخش خصوصی و تحقق نمی‌یابد، بلکه در تعامل سازنده دولت و مردم، در کارآمدی بخش عمومی و در سلامت سیستم‌نگارهای سیاست، کاه سیاست‌های تخصصی منابع، سازوکار جوجوزها، نظام مالیاتی یا شیوه مدیریت آب، زمین و انرژی، عملاً اجازه رشد و رقابت سالم را به بخش خصوصی نمی‌دهد. در مقابل، در برخی جوامع این بخش خصوصی است که با دورزن سیاست‌های دولت و تبانی در مناقصه‌ها، مانع تحقق مصالح عمومی می‌شود و رقابت واقعی را مختل می‌کند. شاخص‌های دیگری نیز سطح مردم‌سالاری اقتصادی را نشان می‌دهند؛ برای مثال اگر سیاست‌های مالی و پولی به سمت تقویت خرید مردم و حمایت از اقبال نیازمند هدایت شود، مانند تسهیلات ازدواج یا وام‌های مسکن، می‌توان گفت دولت رویکردی مردم‌محور دارد. اما گاهی همین سیاست‌ها در خدمت رونق‌دادن به صنایع خاص به کار می‌رود. نمونه‌اش زمانی است که تسهیلات انبساطی به خرید کالایی غیرضروری اختصاص یابد و عملاً بیشتر به سود تولیدکنندگان بزرگ تمام شود تا مردم. در عرصه جنگ نیز در نظام‌هایی که ساختار مردم‌سالار ندارند، هنگام دفاع از سرزمین، اراده و حضور مردم نقشی تعیین‌کننده می‌یابند. نمونه‌اش همراهی خودجوش مردم ایران با حاکمیت در مقاطع مختلف تاریخ استقرار انقلاب اسلامی، از جمله دفاع ۱۲ روزه ۴۰ روزه در برابر با دشمن، که در آن دو دوره نهن‌تها به آشفنگی و مطالبه‌گری بی‌هنگام روی نیابودند، بلکه با حضوری آرام و هوشمندانه، فضای اجتماعی را سامان دادند و از بروز تنش جلوگیری کردند. در حوزه سیاست، معیار روشن است، هرچه مردم بتوانند در انتخاب مستقیم یا غیرمستقیم مسؤلان مشارکت داشته باشند، بر عملکرد آنان نظارت کنند و در صورت لزوم اقدام تغییر و اصلاح را در اختیار داشته باشند، مردم‌سالاری استوارتر است. حضور آگاهانه مردم، سرمایه اصلی هر نظام اجتماعی است. هرگاه این حضور واقعی، آزادانه و حکیمانه باشد، حاکمیت و جامعه از ثمرات سازنده آن بهره‌مند خواهند شد. حاکمیت‌های مردم‌نهاد نگاه ابزاری به مردم ندارند. با این حال، حاکمیت‌ها می‌توانند دامنه و عمق مردم‌سالاری را درگروک سازند؛ چ‌س‌ا در ظاهر مردم‌سالار باشند، اما در معنا و محتوا چنین نباشند. برخی گفته‌اند راه و روش انتخاب مردمی مهم نیست، آنچه اهمیت دارد «امکان تغییر» به شیوه مردم‌سالارانه است، زیرا هر نظام سیاسی، حتی دموکراتیک‌ترین آن، ممکن است به تدریج، قواعد محدودکننده یا ابزارهای محدودکننده را به سود خود وضع کند. دوام و تعالی هر نظام اجتماعی مدعی مردم‌سالاری، وابسته به عمق و کیفیت مردم‌سالاری حقیقی است؛ یعنی نهادهای ناپایداری استقلال داشته باشند، تفکیک قوا ممکن باشد و نقد و بررسی آزاد صورت پذیرد تا مردم بتوانند در قانون‌گذاری، اجرا و نظارت، مستقیم یا غیرمستقیم، اما تعیین‌کننده، مشارکت کنند. بسیج مردمی نمادی از مردم‌محوری در دفاع، مقاومت و سازندگی است. رویکرد مردم‌نهاد در تقسیم قدرت و سپردن مسئولیت به نیروهای مردمی، ضامن استحکام نظام اجتماعی است. ملت ایران در یک سال گذشته در دو تهاجم ۱۲ روزه و ۴۰ روزه به‌گونه‌ای به صحنه آمد که جهانیان را به تحسین واداشت. آنان نشان دادند از نظام برخاسته از اراده خود دفاع می‌کنند و اگر مواعی در مسیر رشد و پیشرفت هست، نه توسط عوامل بیرونی، بلکه از طریق عوامل داخلی رفع می‌شود؛ زیرا می‌دانند دست بیگانه خیرخواه این ملت نیست و عوامل اصلی پیشرفت را در کیفیت و کارآمدی عناصر داخلی می‌یابد. از امتیازات این مقاومت مردمی، توجه به نقش مردم در استقرار و حیات یک نظام حاکمیتی است که باید در عرصه‌های عملی حکمرانی و سیاست‌گذاری دوام یابد و یاس داشته شود.

نیلوفر حامدی؛ از «آینا» که به وقت شنیدن زنگ تفریح از کلاس درس خارج نمی‌شود، مبادا لکه خون روی مانتویش را کسی ببیند، تا «سمیه» که به عنوان یک کارگر، حتی فرصتی برای تعویض لوازم بهداشتی ندارد و حتی «شیماء» که مدت‌هاست تصمیم گرفته درباره قاعدگی در محیط کارش حرف بزند؛ دوران قاعدگی روزهایی از ماه هستند که انکار باید پنهان شوند. ترسی بی‌نام که از نیمکت مدرسه شروع می‌شود و سال‌ها بعد، در سکوت زنانی ادامه پیدا می‌کند که پشت خط تولید، درد را قورت می‌دهند و کار می‌کنند. برای آتهایی که حرف می‌زنند هم البته تجربه شرم و درد توأمان، کماکان جاری است. از دانش آموزشی که نخستین پیرود را با بیماری اشتباه می‌گیرد تا زنانی که به دلیل گرانی محصولات بهداشتی مستلشان به خطر می‌افتد. قاعدگی همچنان یکی از پنهان‌ترین بحران‌های اجتماعی زنان باقی مانده است. در آستانه ۲۸ می روز جهانی بهداشت قاعدگی این گزارش نگاهی انداخته است به جدی‌ترین مناقشات و مخاطرات، درباره موضوعی که نه‌فقط یک رخداد زستی، بلکه تجربه بدن‌مندی چندوجهی و پیچیده در ساخت اجتماعی زنان است.

پشت‌مانتوی «آینا»

صدای زنگ تفریح که می‌آید، همه دخترها از کلاس بیرون می‌روند. «آیناز»، اما روی صندلی چسبیده، دانش‌آموز سال ششم مدرسه کوچکی در یکی از روستاهای «میان‌دوآب» که از نگاه خودش «حسابی بدشانس» بوده که زودتر از سایر هم‌کلاسی‌هایش قاعدگی را تجربه کرده است. در طول روز مانتویش را مدام عقب می‌کشد و آقدر خجالت می‌کشد که حتی نمی‌تواند از صمیمی‌ترین دوستش بخواهد لک خون پشت لباسش را چک کند. اولین پیرویش را پاراسال تجربه کرده بود؛ درست وسط کلاس ریاضی، درد غریبی به جانش افتاده بود و ماهیچه‌های تحتانی شکمش را می‌فشرد. اما آن‌قدر صبر کرد تا زنگ تفریح بخورد و به دستشویی برود. همان روز، در سرویس بهداشتی مدرسه فهمید که چه اتفاقی افتاده است. پیش‌تر چیزهایی از پیچ‌های در کوشی مادر و در زنی‌اش شنیده بود. با وجود این، چند ماه زمان برد تا بالاخره جرئت کند و ماجرا را به مادرش بگوید. تا آن روز با بنیبه و دستمال کاغذی کارش را پیش می‌برد اما قبل از آن، هیچ‌کس برای آییناز توضیح نداده بود که قرار است چه اتفاقی برای بدنش رخ دهد. در مدرسه هم فقط یک مرتبه در باره «بلوغ» برایشان حرف زد بودند بدون اشاره به خون‌ریزی، درد جسمانی و نیاز به نوار بهداشتی. دوست دیگرش هم که امسال پیروید شده، اولین بار فکر کرد «سرطان» گرفته است. بعدتر هم که فهمیده ماجرا از چه قرار است، تا پایان دوره خون‌ریزی، از شدت خجالت به مدرسه نرفته، تصمیم رایجی که بسیاری از دختران در مواجهه با قاعدگی می‌گیرند. این را «نازنین» می‌گوید که معلم مدرسه غیرتفاعلی در تهران است و سال‌ها در شهرستان‌های مختلف کار کرده است: «غیب‌ت از مدرسه و کلاس درس، یکی از نخستین تصمیمات دختران نوجوان در مواجهه با قاعدگی است. میزان آگاهی آنها درباره پیروید و چنین تصمیمی کاملاً رابطه مستقیم با هم دارند. یعنی هر سالی که شاگردان من از خانواده‌هایی بودند که اطلاعات کمتری درباره پیروید به آنها داده می‌شد یا شهر کوچک‌تری بود، این رفتار هم بیشتر دیده می‌شد. اوایل خودم هم متوجه نمی‌شدم ماجرا از چه قرار است اما به مرور زمان علت آن را فکتم و همین هم شد که از آن روز تاکنون حتماً در کلاس‌هایم درباره پیروید با بچه‌ها حرف می‌زنم. با اینکه معلم ادب‌دانا هستم، اما با یک پناهه سعی می‌کنم از این موضوع بگویم تا اگر حتی یک نفر بی‌اطلاع در کلاس باشد، از آن بتواند با موضوع آشنا شود. شاید تصور کنید این روزها دیگر همه با این‌ها آشناس باشند، اما هستند اما حقیقت جامعه چیز دیگری را نشان می‌دهد». تجربه نخستین پیروید برای بسیاری از دختران، من مساوی است با یک نوع شرمساری و خجالت: «حتماً شنیدیدم درباره رسمی که دختری را که اولین‌بار پیروید می‌شود، نشگون می‌گیرند. یا افکاری قدیمی وجود دارد مبنی براینکه زنی که در دوران قاعدگی به سر می‌برد، ناپاک و نجس است. همه این افکار به‌ظاهر قدیمی هنوز در برخی مناطق حاکم هستند؛ بنابراین قاعدگی برای دختران ما در بسیاری از شهرها، خانواده‌ها و گروه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، سببوا با احساس شرمساری و خجالت است؛ نه یک بلوغ و رشد بدنی.»
نگاهی به عملکرد سایر کشورها در زمینه افزایش آگاهی در حوزه بهداشت قاعدگی راهکارهای مختلفی را مقابل تصمیم‌گیرندگان امر قرار می‌دهد. برای مثال، اسکاتلند نخستین کشوری بود که محصولات قاعدگی را به‌صورت رایگان در فضاهای عمومی عرضه کرد. همچنین در مدارس، آموزش درباره قاعدگی را به بخش عادی آموزش سلامت اضافه کرد و آموزش به پسران را هم در دستور کار خود قرار داد تا نابوی اجتماعی در این زمینه کاهش پیدا کند. یا در «هند» که سال‌ها با بحران «فقر قاعدگی» و تابوهای شدید آن مواجه بود، در برخی



مناطق دختران هنگام پیروید اجازه ورود به آشپزخانه را نداشتند. اما در سال‌های اخیر کمپین‌های اجتماعی، فیلم‌ها و استارت‌آپ‌های حوزه سلامت زنان باعث ارتقای فرهنگ پیروید در جامعه شد.

سکوت سرخ

«اینجا کسی از آدم نمی‌پرسد حالت خوب است یا نه؛ فقط می‌پرسند چرا این‌قدر کند شده‌ای؟». این را «سمیه» می‌گوید؛ زنی ۳۸ ساله که در یک کارگاه بسته‌بندی مواد غذایی، حوالی «شهریار» کار می‌کند. شیفتش از هفت صبح شروع می‌شود و تا ساعت پنج عصر که کارش تمام می‌شود، فقط در وقت ناهار خوردن است که فرصت نشستن پیدا می‌کند. او‌که به خاطر غلظت خون بالا درهای مقطعی شدید را در دوران عادات ماهانه‌اش تجربه می‌کند. کارکردن در روزهای قاعدگی را مصداق بارز شکنجه می‌داند. درد کمر و با اماتش را می‌پُرد اما حتی نمی‌تواند به سرکارگر بخشش چیزی بگوید: «اینجا سرکار دعواست. هرچقدر هم که درد بکشم بداشتی است که البته هر چندوقت یک‌بار هم گویی بالاتر می‌رود: «وقتی مجبور باشید بین خرید غذا برای خانه و نوار بهداشتی برای خودتان انتخاب کنید و مادر هم باشد، انتخاب شما خرید غذای بچه‌ها می‌شود.» موضوع قیمت بالای این محصولات اما در بخش‌های حاشیه‌ای شهرها و مناطق کم‌برخوردار، بیشتر خود را نشان می‌دهد. «محیا واحدی»، فعال اجتماعی و روان‌شناس بالینی که از نزدیک با خانواده‌های زیادی از این دست در ارتباط است، از بیماری‌هایی می‌گوید که به دنبال نبود پول کافی برای خرید نوار بهداشتی رخ می‌دهد: «کشاله‌های‌ران برخی از زنان به دلیل حساسیت به پارچه‌ای که به‌جای نوار بهداشتی استفاده می‌کنند زخم می‌شود و به دلیل تکرار زخم و معالجه‌نگردن، حتی دچار عفونت می‌شوند. با اندام داخلی دختر نوجوان دیگری به دلیل عدم شست‌وشو در دوران عادات ماهانه دچار عفونت می‌شود و درمانش با توجه به محیط آلوده زندگی‌شان چالشی جدی برای مددکاران به حساب می‌آید. همچنین، مداران جوان زیادی هستند که دچار بیماری و عفونت در اندام داخلی هستند و درد قاعدگی زیادی را تجربه می‌کنند. به‌طور کلی بسیاری از خانواده‌های ساکن حاشیه شهر، توان تهیه مایحتاج روزانه را ندارند و خرید وسایل بهداشتی، دیگر تجملی و غیرضروری به حساب می‌آید. این در شرایطی است که باید بدانیم اساسا استفاده از لباس زیر هم در بسیاری از محله‌های فقیرنشین کشور ما جایگاهی ندارد». اینها در شرایطی است که در ایران، نوار بهداشتی هنوز اصلی‌ترین مصرف‌صرفی دوران قاعدگی است و گزینه‌هایی مثل تامپون یا کاپ قاعدگی سهم کمی از بازار دارند. در چنین موقعیتی، افزایش قیمت محصولات بهداشتی باعث شده بعضی خانواده‌ها مصرف را محدود کنند یا به گزینه‌های غیربهداشتی روی بیاورند. همچنین در مدارس، دانشگاه‌ها یا سرویس‌های عمومی، دسترسی رایگان به محصولات قاعدگی تقریباً وجود ندارد. ضرورتی که بسیاری از سایر کشورها، مدت‌هاست به آن پی برده‌اند و لوازمی مانند دستمال توالت و نوار بهداشتی را جزو اقدام ضروری سرویس‌های بهداشتی عمومی می‌شناسند. برخی کشورها حتی پیش‌تر رفته و در سیاست‌های اقتصادی خود، این مهم را گنجانده‌اند. به طور نمونه، «آلمان» و «فرانسه»، مالیات محصولات قاعدگی را کاهش داده‌اند و در بعضی مدارس و دانشگاه‌ها دستگاه‌های توزیع رایگان نصب کرده‌اند. «یزولنه»، از سال ۲۰۲۱ توزیع رایگان محصولات قاعدگی در مدارس را آغاز کرده است. «کنیا» نیز یکی از نخستین کشورهای

در آستانه روز جهانی بهداشت قاعدگی، «شرق» به تابوهای ادامه دار، ناآگاهی، مرخصی ماهانه و اقتصاد پیروید در ایران پرداخت

آن روزهای ماه

آفریقای بود که مالیات نوار بهداشتی را حذف کرد. دلپلش ساده بود؛ بسیاری از دختران به‌خاطر نداشتن محصولات قاعدگی مدرسه را ترک می‌کردند.

زن زنده در مقابل ساختار کار صرف‌مردانه

هرچقدر حرف‌زدن از پیروید برای «سمیه» در محل کارش دشوار است، «شیماء» مدت‌هاست تصمیم گرفته در محیط کاری از ضرورت آگاهی‌بخشی در این‌باره بگوید. از نگاه او، بیشتر دانستن درباره این تجربه زنانه، به درک عمومی بهتر می‌انجامد: «پیروید یک تجربه کاملاً زنانه است. طبیعی است که باید زن بود تا فهمید چقدر ابعاد مختلف این تجربه بدن‌مند دشوار است. اما هرچقدر بیشتر درباره این موضوع حرف بزنیم، به درک عمومی بیشتری نسبت به یکدیگر می‌رسیم.» او همچنین از طرفداران جدی «مرخصی پیروید» است. موضوع پرنقاشه‌ای که سال‌هاست در جهان در جریان است. خیلی از کشورها یا شرکت‌های خصوصی به آن داده‌اند، اما هنوز بسیاری دیگر نسبت به آن نقد دارند: «به نظر من مرخصی پیروید هم باید مثل مرخصی زایمان در قانون لحاظ شود. چطور ممکن است یک بخشی از نیروی کار ما چند روز از ماه را با درد و خون‌ریزی کنار کند و هیچ تفاوتی بین و او و سایرین وجود نداشته باشد؟». «آیناشا اسداللهی»، کارشناس اقتصاد سیاسی و فعال صنفی، با اشاره به مسئله مرخصی عادت ماهانه به عنوان یکی از نقاط تلاقی مطالبه برابری جنسیتی و واقعیت‌های سخت بازار کار، به «شرق» می‌گوید: «برخی در حوزه مناسبات کار بر این نظرند که این مرخصی از منظر فمینیستی باید بخشی از حقوق به رسمیت شمرده زنان محسوب شود. اما آیا در بستر ساختاری-نهادی اقتصاد ایران، اعطای حق مرخصی عادت ماهانه به زنان می‌تواند بدون تشدید تبعیض در عمل پیاده شود. ساختار کنونی روابط کار در ایران با ویژگی‌هایی از جمله قدرت چانه‌زنی ضعیف اتحادیه‌ها، نظرات ناکارآمد بر اجرای قوانین کار، کسری مزمن سازمان تأمین اجتماعی و مهم‌تر از همه، بازار کار و ارتش ذخیره در آن همراه است. از منظر اقتصاد سیاسی، در چنین بستری، نگرانی اصلی این است که اعطای هر حق هزینه‌بر اضافی به زنان مانند مرخصی عادت ماهانه شاید اثر معکوس داشته باشد». او با یادآوری یک نمونه مشابه، توضیحاتش را ادامه می‌دهد: «به عنوان مثال، تجربه قانون کاهش ساعات کاری زنان در ایران در سال ۱۳۴۵ سبب شد کارفرمایان با افزایش هزینه نسبی نیروی کار زن، به سمت استخدام بیشتر مردان روی آوردند و همراه با آن درصد زنان مشمول قانون کاهش شدند نیز افزایش یافت. منطق این رفتار در بازار ساده است؛ اگر بهره‌وری نهایی زنان و مردان را برابر در نظر بگیریم، مردان با هزینه جانی کمتر اولویت خواهند داشت. از سوی دیگر، کسری بودجه تأمین اجتماعی، پرداخت گرانت دستمزد را بدون پرداختن به ابعاد دیگر این معضل، تقریباً ناممکن ساخته است. در این شرایط، قانونی که به نفع زنان فقط روی کاغذ می‌آید، در نبود تسهیلات صرفی مستقل و نیز تهدید و ارباب‌فیلان، از مطالبه‌گری جمعی و قدرت کافی برای چانه‌زنی ضعیف محروم خواهد بود. بنابراین منتقدان اعطای این حق استدلال می‌کنند در ساختار فعلی، بدون اصلاح هم‌زمان نهادهای نظارتی و منبع تأمین مالی، نه‌تنها این خواست زنان در روابط کار محقق نمی‌شود، بلکه دسترسی آنان به بازار کار رسمی را کاهش می‌دهد و تبعیض ساختاری را تشدید می‌کند.» این کارشناس اقتصاد سیاسی، در دفاع از حق مرخصی عادت ماهانه نیز استدلال‌هایی را مطرح می‌کند: «به‌رسمیت‌شمردن هر حقی نوعی آگاهی را در جامعه قوه‌تیمی می‌کند، حتی اگر امکان تحقق کامل آن در ابتدا نامعریف باشد. عادت ماهانه یک پدیده بیولوژیک است که نزدیک به نیمی از جمعیت شاغل را درگیر می‌کند. نادیده‌گرفتن آن در نظام مناسبات کار، به معنای پذیرش ضمنی بدن مردانه به عنوان الگوی پیش‌فرض کارگر است، اما نکته کلیدی در دفاع از این حق، رد این گزاره نادرست است که می‌گوید: «چون ممکن است برعکس تبعیض تشدید شود، پس حق را ندهیم.» مدافعان این حق در پاسخ استدلال می‌کنند حتی در شرایط فعلی باید به‌جای صرف‌نگردن‌کردن از یک حق، برای درگون‌کردن ساختار فعلی قدم‌های مؤثر برداشت. تجربه‌گروه‌هایی مانند زاین با اسپانیا نشان می‌دهد با طراحی «صندوق عدالت جنسیتی» (تأمین هزینه در محل مالیات عمومی یا حق بیمه جدانگانه)، می‌توان انگیزه تبعیض را کاهش داد؛ بنابراین دفاع از حق مرخصی به معنای نادیده‌گرفتن مشکلات اجرایی نیست، بلکه تأکید بر این است که راه‌حل، عقب‌نشینی از حقوق زنان نیست، بلکه اصلاح هم‌زمان نهادهای نظارتی، تأمین منابع مالی پایدار و اجرای تدریجی آن است. حذف حق به دلیل ترس از تبعیض، نوعی تسلیم در برابر منطق رسمی کارفرمایی و تضعیف عاملی و اراده زنان در برابر ساختارهای ناعادلانه است. ضمن اینکه آگاهی بر هر حقی آن را نازدودنی خواهد کرد.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانه‌های فاقد سند رسمی شهرستان خرم آباد- سری (۱،۲۲۴) جمعی
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی خرم آباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد، در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم ویس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
تاریخ انتشار نوبت اول : (۱۴۰۵،۰۲،۲۱)
نوبت دوم: (۱۴۰۵،۰۳،۰۵)
نام روزنامه : شرق

- تقاضای «مدرسه بلال حبشی سرباب داربر بیرانشهر» فرزند « » نسبت به «ششدانگ یکباب ساختمان آموزشی» بمساحت ۲۶۹،۲۸ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۸» فرعی از «۱۱۹» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سردار و زکی سپهوند»
- تقاضای «مدرسه فتح المبین قلعه رحیم بیرانشهر» فرزند « » نسبت به «ششدانگ یکباب ساختمان آموزشی» بمساحت «۱۴۶۱،۵۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۱» فرعی از «۲۶» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «نشالله (ناصر) اسدیان فیلی»
- تقاضای «مدرسه شهید تاج الدین فرهادی دره بسر بیرانشهر» فرزند « » نسبت به «ششدانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۵۰،۹۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷» فرعی از «۲۵» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه « صادق خان اسدیان»
- تقاضای «مدرسه شهید حجت اله بیراوند قلعه قنبر بیرانشهر» فرزند « » نسبت به «ششدانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۱۵۱،۷۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۵» فرعی از «۵۵» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خداکرم بیراوند»
- تقاضای «موزش پرورش منطقه بیراوند» فرزند « » نسبت به «ششدانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۵۰،۱۶۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۴» فرعی از «۸۹» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سوار آقا سواری پور»
- تقاضای «مدرسه شهید حسن شمس بیراوند سیل نظر بیرانشهر» فرزند « » نسبت به «ششدانگ یکباب ساختمان آموزشی» بمساحت «۹۹،۴۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۲۰» فرعی از «۱۷» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رحیم پایی»
- تقاضای «موزش پرورش منطقه بیراوند» فرزند « » نسبت به «ششدانگ یکباب ساختمان آثار تاریخی» بمساحت «۴۰،۱۴۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۵» فرعی از «۴۰» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی نظر مردانی»
- تقاضای «مدرسه امام رضا خشکه رود بیرانشهر» فرزند « » نسبت به «ششدانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۱۵۵۳،۰۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۸» فرعی از «۱۱۰» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عباس الماسی»
- تقاضای «آقای حسین دهقان نژاد» فرزند «حجات» نسبت به «۵۰ دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی» و «خانم فاطمه دهقان نژاد» فرزند «حجات» نسبت به «۰،۲۵ دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی» و «خانم زهرا نقی» و فرزند «شیرعلی» نسبت به «۰،۲۵ دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی» و «آقای محمد دهقان نژاد» فرزند «حجات» نسبت به «۰،۵ دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۸۳۰۷،۲۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۸۲» فرعی از «۱۲» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شیخ حیدر دهقان نژاد»
- تقاضای «آقای احد شایسته» فرزند «فاسم» نسبت به «سه دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی» و «خانم فاطمه حیدر نجفی» فرزند «بهرام» نسبت به «سه دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۳۶۰،۳۸۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۷۱» فرعی از «۲۲» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی» شناسه : ۲۱۶۲۹۱۳

فرشاد بازوندی نژاد – رییس اداره ثبت اسناد و املاک خرم آباد ۱۰۸۴